

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقدیر و تشکر

منت خدای راعزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکراندرش مزید نعمت  
هر نفسی که فرو میرود بمد حیات است و چون برمی آید مفرح ذات پس در هر نفسی د و نعمت  
موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب .

بر خود لازم میدانم تا از مساعی تلاشها و زحمات کلیه عزیزانی که به نحوی در اجرا و  
انجام این پژوهش مدد رسان اینجانب بوده اند تقدیر و تشکر نمایم .

لذا مراتب سپاس خود را از توجه و مساعدتهای ارزشمند و راهنمایی های گرانقدر  
استاد محترم سرکار خانم دکتر اخلاقی ابراز می دارم.

والسلام

دیماه 1388

## چکیده

در میان موجودات انسان تنها موجودی است که با خداوند ارتباط برقرار می‌کند. ارتباط و پیوند با خداوند بزرگترین سعادت انسان است. از نظر فلاسفه هدف از حیات انسان حرکت صعودی و سیر تکاملی می‌باشد و در این حرکت صعودی انسان مشکل‌های بسیاری در راه دارد که باید از رهبر بهره‌جوید.

این حرکت صعودی غریزی و طبیعی است و عروج انسان از عالم مادی به جهان معقول امر اجتناب‌ناپذیر است. و خداوند نیز با انسان‌ها ارتباط دارد ولی همه انسان‌ها به این درجه قرب نمی‌رسند. فقط کسانی به این درجه می‌رسند که نفس آنها از تمام خواسته‌های بدنی باشد و در مراتب معرفت به معرفت واجب رسیده باشند و این استعداد در بعضی انسان‌ها هست و از این استعداد به حدس و الهام تعبیر می‌شود.

و اینکه این ارتباط خدا با انسان و انسان با خدا چگونه است و فواید و آثاری بر موجود دارد یا نه در این جا بررسی شده است و به این نتیجه رسیده است که این ارتباط‌ها (خدا با انسان و بالعکس) به چهار طریق صورت می‌گیرد. الف: ارتباط خالق و مخلوقی ب: رابطه تبلیغی و ارتباطی ج: رابطه بنده و پروردگار د: رابطه اخلاقی

در این چهار ارتباط فوایدی برای انسان هست.

در ارتباط خدا انسان (رابطه خالق و مخلوقی و وحی و رابطه اخلاقی) فوایدی برای انسان است به این صورت که در اولی انسان تمام هستی خود را از خدا دارد و در دومی انسان از طرف خداوند توسط پیامبر راهنمایی و هدایت می‌شود که اگر از راهنمای خود اطاعت کند مورد رحمت خداوند واقع می‌شود که همان رابطه اخلاقی می‌باشد.

در ارتباط انسان با خدا (دعا و نماز و ...) فوایدی شامل حال انسان می‌شود یعنی انسان با انجام اعمالی مانند دعا و نماز و حج و ... با خداوند ارتباط برقرار می‌کند که مؤثر در آخرت می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: خدا و انسان و علت و معلول

موضوع :

(( کیفیت ارتباط انسان با خدا در سایه علت

و معلول از نظر ابن سینا و سهروردی ))



# فهرست مطالب

چکیده

کلیات 1

مقدمه 2

زندگی سهروردی و آثار و تألیفاتش 4

زندگی ابن سینا و آثار و تألیفاتش 6

فصل اول

مبادی و پیش فرض ها

بخش اول (علیت) 9

تعریف علت و معلول 10

اقسام علت 11

علت فاعلی 11

علت مادی 13

علت صوری 13

علت غایی 14

تقسیم جدید علل از نظر ابن سینا 14

اصل علیت 19

اصول منتزعه از قانون علیت

الف : اصل سنخیت و بداهت آن 23

ب : رابطه ضروری میان علت و معلول و کیفیت آن 24

6\_1\_1 نسبت یا رابطه علت و معلول و کیفیت آن 26

7\_1\_1 ربط حادث به قدیم 34

بخش دوم (خدا و نفس و علم)

خدا

1\_2\_1 مفهوم خدا 37

2\_2\_1 جایگاه خدا در نظام هستی 39

3\_2\_1 رابطه خدا با جهان 41

خدافاعل با لعنا یه است 42

خدا فاعل بالرضا است 46

4\_2\_1 جایگاه انسان در نظام هستی 48

نفس

5\_2\_1 تعریف نفس ناطقه 51

6\_2\_1 حدوث و بقای نفس و رابطه نفس با بدن 53

7\_2\_1 کیفیت صدور فعل از انسان 55

علم

8\_2\_1 تعریف علم و ادراک 56

9\_2\_1 مراتب و کیفیت ادراک انسان 62

مراتب علم 62

اقسام ادراک 62

اقسام تعقل 64

عقل نظری و مراتب آن 67

عقل عملی 70

مراتب عقل عملی 72

مراتب علم در انسانها 73

10\_2\_1 دایره ادراک انسان 74

11\_2\_1 امکان معرفت خداوند 76

مقایسه دو دیدگاه 80

---

### فصل دوم سعادت و کمال

---

1\_2 انسان و کمال 82

2\_2 تئوری شیخ الرئیس در حرکت استکمالی انسان 83

3\_2 روند استکمالی انسان در دو بعد مادی و غیر مادی 85

4\_2 سعادت و کمال انسان از نظر ابن سینا 92

نقش عقل نظری (علم) در سعادت انسان 94

ارتباط معرفت با سعادت در دنیا و آخرت 94

نقش عقل عملی و اخلاقی در رسیدن به سعادت 96

5\_2 سعادت و کمال انسان از نظر سهروردی 102

---

### فصل سوم رابطه ها

---

1\_3 انواع رابطه ها 107

2\_3 رابطه خدا با انسان 109

3\_3 رابطه انسان با خدا 115

4\_3 نقش علم در رابطه انسان با خدا 127

5\_3 نقش علم در رابطه خدا و جهان 132

ترجمه انگلیسی چکیده 135



منابع و مأخذ ۱۳۶

کلیات:

زندگی و آثار ابن سینا

زندگی و آثار سهروردی

## مقدمه

کیفیت ارتباط با خدا در سایه علت و معلول از مهمترین مباحث فلسفی و عرفانی و دینی ماست. دیدگاه ابن سینا که روش او استدلالی و عقلی محض است و سهروردی که روش مبتنی بر شهود است و تعیین و ترسیم چگونگی این ارتباط و اثرات مترتب بر آن و فواید مترتب بر موجود در سایه علت و معلول هم از نظر فلسفه و هم عرفان می تواند رهگشای بخش های مهم دیگری در این عرصه باشد.

آنچه در این تحقیق به عنوان سؤالهای اصلی مورد بررسی واقع شده است عبارتند از:

آیا ارتباط خدا با موجودات یکسااست یا تابع نظام طولی و تشکیکی، اگر تابع نظام طولی است این ارتباط چگونه ترسیم می شود؟

در این ارتباط صعودی هر موجودی بهره اش و آثار مترتب بر این رابطه چیست؟

رابطه خدا با موجودات چگونه است و چه فوایدی برای موجود دارد؟

ارتباط موجودات از نازلترین مرتبه و تا بالاترین آن با خدا چگونه است؟

در این تحقیق تلاش شده است قانون علت و معلول و مبادی هستی شناسی و مبادی انسان شناسی و معرفت شناسی به عنوان مبانی فلسفی مورد نیاز و سپس سعادت و کمال انسان و رابطه ها را به عنوان فصول اصلی از دید گاه ابن سینا و سهروردی مورد بررسی واقع شود و تا آنجا توالتنسته ام از کتاب های اصلی و اساسی استفاده کرده ام بعد از فیش برداری از کتابهای مورد نیاز و مطالعه کتاب های مختلف به توضیح و توصیف مطالب پرداخته ام بهاین صورت که فصل اول از پایان نامه را به اصول و مبانی فلسفی مورد نیاز اختصاص دهم که شامل دو بخش که بخش اول با عنوانهای (علت و معلول و نسبت و رابطه علت و معلول و کیفیت آن و مسأله ربط حادث به قدیم) و بخش دوم با عنوانهای (مبادی هستی شناسی و مبادی انسان شناسی و مبادی معرفت شناسی) می باشد و که فقط به عنوان پیش فرض به آنها پرداختم و اثبات آنها را نیازی نیست، به نظرم میرسد بخش دوم کمی نیاز به توضیح دارد که می توانم بگویم که من در این بخش به بررسی مسأله خدا و جایگاه خدا در نظام هستی و رابطه خدا با موجودات و بحث انسان و جایگاه انسان در نظام هستی و بحث علم و کیفیت ادراک انسان و امکان شناخت خداوند و محدوده آن پرداختم و لازم دانستم برای شناخت کیفیت رابطه انسان و خدا شناخت خود آنها مورد نیاز است همچنانکه ابن سینا در اهمیت شناخت نفس گفته است که "تا کسی حقیقت ارواح آدمی را نشناسد ممکن نیست که آخرت را به بصیرت بشناسد، چنانکه ممکن نیست که حق ذا - عز و جل - بشناسد تا خود را نشناسد، پس شناخت نفس خود کلید معرفت حق است و کلید معرفت آخرت است و اصل الایمان بالله و الیوم الاخر است.

سهروردی نیز در باره اهمیت شناخت نفس گفته است که راه شناخت خدای یکتا راه توحید است و در مکتب فلسفه اشراق راه اثبات توحید راه شناخت خدای یگانه شاهراه رسیدن به حریم قدسی توحید الهی، راه رسیدن به پای ملکوت و عرش اعظم و مقام کبریای وحدت الهی است - راه شناخت نفس (شناخت خود) و پرورش و تربیت نفس می باشد که بهترین راه است و نفس

این موجود یا این دستگاه شگفت انگیز و شگرف که دست نیرومند و توانای آفریدگار در انسان ها تعبیه شده است و درست یگانه وسیله و علتی است که انسان به داشتن آن اشرف مخلوقات می باشد و گرنه انسان از دیگر جانداران هیچ امتیازی ندارد.

دو فصل آخر را " سعادت و کمال " و "رابطه ها عنوان دادم در اولی ابتدا روند استکمالی انسان را در دو بعد مادی و غیر مادی را آوردم که همین خود تابع نظام قانون علمی و معلولی است که به نقش آن در این رابطه پرداختم و سپس در ادامه نقش علم را چون هر دو را جزء مبانی مورد نیاز موضوع آوردم لازم دانستم در دو فصل آن که جزء فصول اصلی محسوب می شوند بیاورم.

## زندگی ابن سینا

ابوعلی سینا که در مغرب زمین به نام اویسینا Avicenna مشهور است، اعجوبه دهر و نادره روزگار خود بود. خود او گزارش زندگی‌اش را تا حدود ۳۵ سالگی که به گرگان آمده بود، به تقاضای یکی از شاگردانش املا کرد و شاگرد معروفش ابو عبید جوزجانی بقیه آن را تکمیل و تا آخرین روز زندگی‌اش گزارش کرده است که متن آن در کتاب «عیون الانبیاء» اثر ابن ابی اصبیحه: «تاریخ الحکمه» اثر قفطی. «تاریخ الحکماء» اثر سهروردی و خلاصه دقیقتری از آن در «تتمه صوان الحکمه» اثر بیهقی آمده است که در اینجا به نحو خلاصه بیان می‌شود:

نام پدر ابن سینا، عبد الله و از اهل بلخ است. او از عاملان دودمان سامانی بود که در دوره نوح بن منصور سامانی (۳۶۶-۳۷۸ هجری) از بلخ به بخارا آمد و کار قریه «هورمیش» به وی سپرده شد و از قریه «افشنه» زنی به نام ستاره گرفت. ابوعلی در ماه صفر سال ۳۷۰ هجری از این مادر متولد شد. خود او می‌گوید: پدرم مرا پیش معلم فرستاد. در ده سالگی حافظ کل قرآن شدم و از ادب بسیار مطلع شدم. پدر و برادرم از اسماعیلیان بودند و از آنها ذکر نفس و عقل را شنیدم و فهمیدم ولی نفسم قانع نشد. حساب و هندسه را نزد سبزی فروش آموختم. سپس ابو عبدالله نائلی به بخارا آمد، پدرم او را به خانه دعوت می‌کرد و من از او منطق آموختم. فقه را نیز نزد اسماعیل زاهد آموختم. در نزد نائلی علاوه بر منطق، پنج یا شش کتاب «اقلیدس» را نیز فرا گرفتم. سپس «مجسطی» را شروع کردم و اشکال هندسی را حل کردم و نائلی از آن رفع اشکال می‌کرد. سپس نائلی به گرگانج رفت و من به تحصیل ادامه دادم. بعد به علم الهی روی آوردم. از آن پس به علم طب راغب شده و کتب آن را می‌خواندم. در سن ۱۱ سالگی به قرائت منطق و جمیع اجزای فلسفه برگشتم و در وقت تحیر به مسجد رفته و نماز می‌خواندم و به مبدا کل و آفریدگار می‌نالیدم و درخواست حل مشکل می‌کردم.

بعد به مطالعه ما بعد الطبیعه ارسطو روی آوردم. چهل بار آن را خواندم ولی نفهمیدم تا اینکه به «اغراض ما بعد الطبیعه» فارابی برخوردیم و مشکل حل شد. به واسطه معالجه نوح بن منصور سامانی پادشاه بخارا، اجازه یافتیم به کتابخانه او دسترسی پیدا کنیم که سر منشا فواید بسیار بود. در سن ۱۸ سالگی از جمله این علوم فارغ شدم و الان فقط پخته‌تر شدم، ولی چیزی بر من افزوده نشد. در سن ۲۰ سالگی کتاب «مجموع» را به درخواست همسایه خویش ابوالحسین عروض نگاشتم. همچنین کتاب «الحاصل و المحصول» را در شرح کتب اوایل برای دیگر همسایه خود، ابوبکر برقی، در ۲۰ جلد نوشتم.

در این میان پدرم مرد و بخارا را ترک گفتم. برخی از کارهای سلطان امیر علی بن مامون و وزیر علم دوست او ابوالحسین سهلی را برعهده گرفتیم. از آنجا به «نسا» و سپس به سمنگان و

از آنجا به جاجرم که سرحد خراسان رقتم تا قصد من امیر قابوس بود که گرفتار شد و در قلاع در حالت حبس در گذشت. سپس به دهستان رقتم و از آنجا به گرگان برگشتم. وفات او مقارن با روز جمعه، اول ماه رمضان ۴۲۸ هجری بود و مقبره او در همدان است.

### تالیفات بوعلی سینا

تالیفات بوعلی بیش از ۲۵۰ کتاب و رساله است که مهمترین آنها «شفا» در فلسفه و «قانون» در طب است که مختصراً به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. الشفا، در ۱۸ جزء در منطق، ریاضی، طبیعیات و الهیات، شامل ۱۰ مقاله در اقسام موجودات، جوهر و عرض، ماده و صورت، وحدت و کثرت، تقدم و تاخر، قدم و حدوث، نوع، جنس، فصل، اقسام علل یا کیفیت صدور اشیاء، مبدأ و معاد، لزوم اطاعت از پیامبر و امام، سیاست و تدبیر منزل و اخلاق می‌باشد.

۲. نجات، که در اصل خلاصه شفاست.

۳. الاشارات و التنبيهات: به تعبیر حاجی خلیفه: «هی آخر ما صنف فی الحکمه واجوده و کان یظن بها. که شامل ۱۰ «نهج» در منطق و ۱۰ «نمط» در فلسفه است. نمطهای دهگانه فلسفه عبارتند از: فی تجوهر الاجسام، فی الجهات و اجسامها الاولى و الثانيه، فی النفس الارضیه و السماویه، فی الوجود و علله، فی الصنع و الابداع، والغایات و مبادئها و فی الترتیب، فی التجدید، فی البهجه و السعاده، فی مقامات العارفين وفي اسرار الايات. بر این کتاب شروحي نوشته شده است مانند: شرح وزین خواجه نصیر الدین توسی (وفات در ۶۷۲ هجری) که در سال ۶۴۴ هجری از شرح آن فارغ شد. و شرح دیگر از قطب‌الدین رازی (وفات در ۷۶۶ هجری) که در سال ۷۵۵ هجری از شرح آن فارغ شد.

۴. الحکمه المشرقیه یا حکمت المشرقین.

۵. الانصاف، در دو جلد که شرح عام کتب ارسطو است.

۶. المجموع.

۷. المبدأ و المعاد.

۸. الحاصل و المحصول.

۹. رساله‌های سه گانه حی بن یقضان، سلامان و ابسال و رساله الطیر که نوعاً عرفانی هستند.

۱۰. القانون، در طب که به زبان لاتینی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی ترجمه شده است. در «اعیان الشیعه»، «الفهرست» ابن ندیم، «تاریخ الحکماء» شهروزی، مقدمه «دانشنامه علامی» و «سه

حکیم مسلمان»، تعداد تالیفات بوعلی از ۱۰۷ تا ۱۸۰ و حتی ۲۵۰ اثر آمده است.

ابن سینا در قسمت ادبیات بر عربی و فارسی شعر سروده که اشعار فارسی او را ادوارد براون در جلد دوم «تاریخ ادبیات ایران» جمع آوری کرده است و مرهوم نفیسی هم در مجله مهر منتشر کرد. قسمت عربی اشعار او را صاحب کتاب «طبقات الطبء» نقل کرد، که مهمترین و مشهورترین آن، «قصیده عینیه است که متحول دانشمندان مثل ابو عبید جوزجانی و حاج ملاهای سبزواری در «اسرار الحکم» بر آن شرح نوشته اند .

## سهروردی

در سال ۵۴۹ هجری در سهرورد، دهکده‌ای در حواله زنجان به دنیا آمد. ابتدا نزد مجدالدین جیلی در مراغه و سپس در محضر ظهیرالدین قارعی در اصفهان به تحصیل پرداخت و یک از همدرسان وی در این دوره، فخر الدین رازی، از بزرگترین مخالفان فلسفه بود که پس از مرگ سهروردی وقتی کتاب «التلویحات» وی را به او دادند. بوسید و گریست. پس به سیر و سیاحت در ایران پرداخت و با صوفیه آشنا شد و مدت درازی در اعتکاف و عبادت و تأمل گذراند. و در سیر و سفر از مناطق آناتولی و شامات گذر کرد و در حلب، ملک ظاهر پسر صلاح الدین ایوبی مجذوب وی شد و از او دعوت به عمل آورد و او آنجا ماندگار شد.

مهارت در فلسفه و بی احتیاطی در میان معتقدات، مخالفینش را علیه او شورانید و پس از اینکه ملک ظاهر از قتل وی امتناع کرد، شکایت را به صلاح الدین ایوبی بردند و چون صلاح الدین تازه سوریه را از صلیبیون گرفته بود و نیاز به تایید علما داشت، دستور قتل سهروردی را داد. ملک ظاهر وی را به زندان افکند و در سال ۵۸۷ یا ۵۶۷ هجری سن ۳۸ یا ۲۷ سالگی به علت گرسنگی یا به علت خفگی کشته شد. ولی خیر مرگش به استاد وی، ماردینی رسید گفت: همان شد که حدس می‌زدم. لذا درباره‌اش نوشته‌اند، شهاب الدین عملش بر عقلش فزونی داشت.<sup>۱</sup>

## آثار سهروردی

سهروردی با وجود عمر کمی که داشت، حدود ۱۵۰ اثر را از خود بجای گذاشت که می‌توان آنها را به ۵ گروه تقسیم کرد:

۱. چهار کتاب بزرگ نظری و تعلیمی (سه رساله فلسفه مشایی- ارسطویی و چهارمی، اشراق محض) که عبارتند از: «تلویحات»، «مطارحات»، «مقاومات» و «حکمه الاشراق».
۲. رساله‌های تعلیمی کوتاه که تلخیص کتب فوق به زبان ساده است، از قبیل: «هیاكل النور»، «الواح العمادیه»، «پرتونامه»، «اعتقاد الحکمه»، «اللمحات»، «بیزدان شناخت» و «بستان القلوب» که دو کتاب اخیر را سید شریف جرجانی به عین القضاة نسبت داد، ولی به احتمال بیشتر از خود سهروردی است.
۳. حکایات ساده و رمزی سفر نفس و مراتب نفس و اشراق، نظیر: «عقل سرخ»، «آواز پر جبرئیل»، «الغربه الغربیه»، «لغت موران»، «رساله فی حاله الطفولیه»، «روزی با جماعت صوفیان»، «رساله فی المعراج»، «صفیر سیمرغ».

<sup>۱</sup> - تاریخ فلسفه اسلامی-اسحاق حسین کوهساری ص ۱۶۴ و ۱۶۵ - تاریخ فلسفه اسلامی- مترجم اسدالله مشیری - ص ۲۷۳.



۴. ترجمه و شرح و تفسیر کتب قدیم فلسفه و قرآن کریم، نظیر: ترجمه فارسی «رساله الطیر» ابن سینا، «شرح اشارات» بوعلی، «رساله حقیقه العشق» مبتنی بر «رساله العشق» بوعلی سینا و تفسیر آیاتی از قرآن کریم.

۵. دعاها و مناجات نامه‌ها به زبان عربی که شهر روزی آنها را «الواردات و التقديسات القلبيه» نامید.<sup>۲</sup>

# فصل اول

(مبادی و پیش فرضها)

بخش اول: علیت

بخش دوم: خدا و انسان و علم

بخش اول:

(علیّت)

### تعریف علت و معلول

علت‌به کسر عین‌در لغت‌به معنای مرض یا بیماری است که به موجب آن بدن اعتدال خود را از دست می‌دهد و موجب ضعف بدن می‌شود و حتی ممکن است موجب مرگ شود. از نظر فیلسوفان علت یعنی آنکه از وجودش وجود شیء دیگر لازم آید و از عدم‌اش عدم شیء دیگر. معلول آن امر یا موجودی است که همواره بدنبال علت می‌آید و شانی از شئون علت و اثری از آثار اوست. این سینا و سهروردی نیز همین تعریف را از علت و معلول ارائه داده‌اند.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - حدود یا تعریفات- ابن سینا ص ۳۴. شفا- ابن سینا - ص مجموعه مصنفات شیخ اشراق - سهروردی - جلد اول ص ۳۷۷. التلویحات - جلد چهارم - ص ۳۰ و ۳۱ و ص ۲۱۸. و جلد سوم (پرتو نامه) ص ۳۲ و ۳۳.